

ناشنوایان و باغچه‌بان

● باغچه‌بان با آموزش سه کودک
کرولال در سال ۱۳۰۵ش، آموزش
ناشنوایان را به صورت علمی در
ایران پایه‌گذاری کرد.

مهشید لطیفی‌نیا

علت افزایش محصلین قسمت جدیدی به
ساختمان قدیم دبستان افزوده شد.^۵ در سال
۱۳۴۴ش. بنا به درخواست ثمینه باغچه‌بان-
پیرنظر- و با هزینه شخصی جواز تأسیس یک
کودکستان غیردولتی کر و لال‌ها بنام وی صادر
شد.^۶ [سند شماره ۲]

باغچه‌بان در تعلیم و تربیت به روشی دست
یافت که امروزه به آن روش ترکیبی می‌گویند. در
روش ترکیبی یا آمیخته
«TotalCommunication» از کلیه امکانات
موجود برای رفع مشکل زبان‌آموزی و
گفتارخوانی استفاده می‌شود از ناشنوا

«باغچه اطفال» نام گرفت و تا ۱۳۱۷ دایر بود.
باغچه‌بان در ۱۳۱۲ش. «دبستان کر و لال‌ها»
را در تهران تأسیس کرده در همین راستا
۱۳۲۲ش. دبستان کر و لال‌های یوسف‌آباد
ساخته شد.^۲ در ۱۳۲۳ به عنوان معلم روش
جدید الفبا و نظارت بر تدریس در سراسر کشور
با تصویب‌نامه مخصوصی معرفی شد.^۳ [سند
شماره ۱]

فعالیت‌های مدرسه در ۱۳۳۸ و پس از تغییر
هیئت مدیره به پیشرفتهای قابل توجهی رسید و به

آموزش ناشنوایان در ایران در سال ۱۳۰۵ش.
توسط «جبار باغچه‌بان» پایه‌گذاری شد. نام
اصلی وی جبار عسگرزاده بود و در ۱۲۶۴ش.
در ایروان متولد شد. تحصیلات خود را به
صورت قدیمی در مساجد فراگرفت، در روزنامه
«قفقاز» خبرنگار بود و در «ملانصرالدین»
فکاهی می‌نوشت و به مدیریت روزنامه فکاهی
«لک لک» در ایروان رسید که پس از جنگ
جهانی اول تعطیل شد. در آخرین سالهای جنگ
جهانی به عثمانی رفت و پس از چندی تحویلدار
شهرداری و سپس فرماندار شهر «ایگدیر»
گردید ولی باشکست دولت عثمانی تسلیم
«داشناق» ها شد و به ایروان بازگشت و در
جریان قحطی و مرض پس از جنگ با از دست
دادن والدین خود در ۱۲۹۸ش. راه سرزمین
پدري را در پیش گرفت.^۱

فعالیت‌های باغچه‌بان در داخل کشور در
زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی و سیاسی قابل
بررسی است، باغچه‌بان در درجه نخست
آموزگار بوده است. او پس از آن که با تحمل
صدمات فراوان به وطن بازگشت در دبستان
«احمدیه» مرند به تعلیم و تدریس پرداخت. روش
تدریس وی تازگی داشت در ۱۳۰۳ش. به دستور
رئیس فرهنگ وقت اولین کودکستان ایرانی را
در تبریز به نام «باغچه اطفال» تأسیس کرد و نام
خود را از عسگرزاده به باغچه‌بان تغییر داد.
نخستین اقدام وی برای آموزش افراد کر و لال
تأسیس کلاسی در همان باغچه اطفال در
۱۳۰۵ش. به منظور آموزش سه کودک کر و لال
بود. مرحوم رشديه پیشگام آموزش نابینایان
ایران از مدرسه لال‌های باغچه‌بان دیدن کرد
رشديه با وجودی که قدر خدماتش ناشناخته بود
و بدون امکان تأسیس یک دبستان نابینایان در
آستانه قم به طور منزوی زندگی می‌کرد.^۲

در سال ۱۳۰۶ اعانه «باغچه اطفال» توسط
دولت قطع شد ولی در ۱۳۰۷ پس از انتقال به
شیراز کودکستانی تأسیس کرد که در ۱۳۱۲ش.



باغچه‌بان - تبریز ۱۳۰۲ بر روی تخته‌سیاه نوشته شده: من جاوید در مدت پنج ماه تمام از معلم خود میرزا جبار الفبا یاد گرفته حالا با
دست خود به معلم محترم تبریک می‌گویم.



باغچه‌بان

۲۶. شیر و باغبان (درباره تعلیم الفبا)
۲۷. ترجمه آثار ترکی سه منظومه از ناظم حکمت، اینچه‌ممد، یاشارکمال.^۸
- از اختراعات باغچه‌بان می‌توان از ساخت «گوشی استخوانی» یا «تلفن گنگ» را نام برد که در ۲۲ اسفند ۱۳۱۲ در سازمان ثبت اختراعات به شماره ۱۱۸ به ثبت رسید. این گوشی به فرد ناشنوا این امکان را می‌داد که از راه دندان بشنود این اختراع را ۳۷ سال بعد دو نفر از پزشکان دانشگاه کالیفرنیا در لوس‌آنجلس تکمیل کردند.^۹
- باغچه‌بان علاوه بر اختراع گوشی گنگ اختراعات و کشفیات دیگری نیز انجام داده است که عبارتند از:
 - کشف و اختیار روش شفاهی در تعلیم ناشنوایان ایران
 - کشف خواص صوتها و تقسیم‌بندی آنها
 - اختراع الفبای دستی که مبتنی بر دسته‌بندی اصوات است.
 - اختراع و تهیه وسایل مختلف بصری برای تدریس ناشنوایان
 - روش حساب ذهنی ناشنوایان^{۱۰}
 - باغچه‌بان در ایجاد و تأسیس امکانات تازه بسیار پرتلاش بود. فعالیت‌های وی در زمینه اجتماعی به شرح زیر است:
 - پیشنهاد تأسیس آموزشگاهی نمونه به نام «بنگاه پرورش آموزگار»
 - تأسیس جمعیت‌های خیریه از قبیل «جمعیت حمایت کودکان کر و لال و کور» که از فروردین ۱۳۲۵ شروع به فعالیت کرد و «جمعیت سلام»

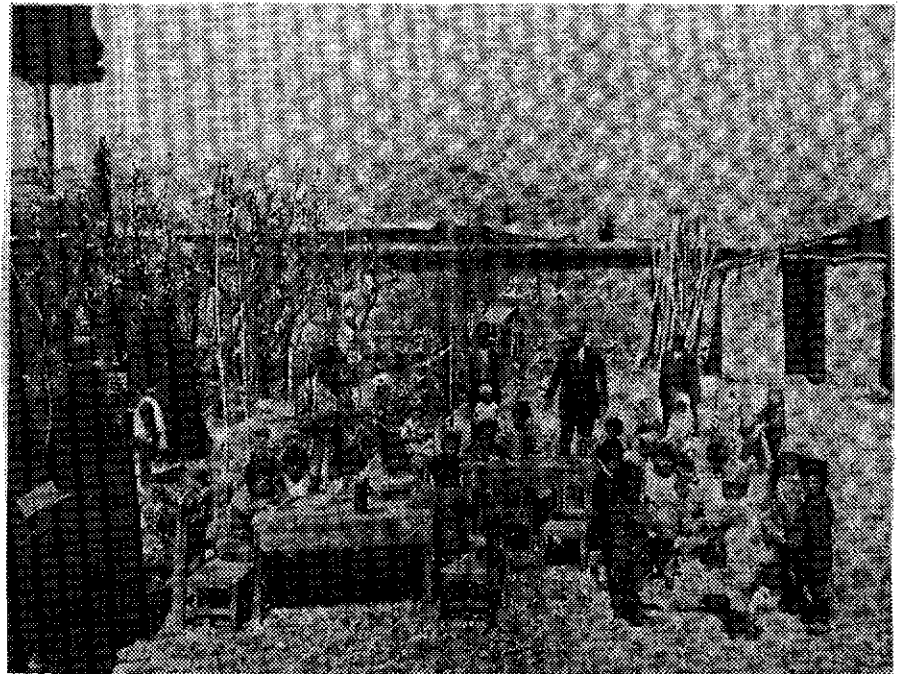
۸. الفبای خودآموز برای سالمندان، ۱۳۲۶، تهران، علی‌اکبر علمی
۹. پروانین کتابی، ترکی، ۱۳۲۶، تهران
۱۰. الفبا، ۱۳۲۷، علی‌اکبر علمی
۱۱. اسرار تعلیم و تربیت، ۱۳۲۷، علی‌اکبر علمی
۱۲. الفبای باغچه‌بان، ۱۳۲۹، وزارت فرهنگ
۱۳. برنامه کار یکساله، ۱۳۲۹، وزارت فرهنگ
۱۴. علم آموزش برای دانشسرای مقدماتی، ۱۳۲۰، علی‌اکبر علمی
۱۵. الفبای سربازان، ۱۳۳۲، تهران
۱۶. کتاب اول ابتدایی، ۱۳۳۰، علی‌اکبر علمی
۱۷. رباعیات باغچه‌بان، تهران
۱۸. کتاب اول ابتدایی، ۱۳۳۵، بنگاه مطبوعاتی سعادت
۱۹. خیام آذری، ۱۳۳۷، تهران (ترکی با حفظ وزن و قافیه اشعار اصلی)
۲۰. درخت مروارید، ۱۳۳۷، علی‌اکبر علمی
۲۱. روش آموزش کر و لال‌ها، ۱۳۲۳، تهران
۲۲. حساب، ۱۳۲۲، تهران
۲۳. من هم در دنیا آرزو دارم، ۱۳۴۵، تهران
۲۴. بابابرفی (برنده جایزه بهترین کتاب کودکان از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان)
۲۵. آدمی اصیل (مقیاس واحد آدمی)

● از اختراعات باغچه‌بان یکی «گوشی استخوانی» است که با آن فرد ناشنوا قادر به شنیدن می‌باشد. این اختراع را ۳۷ سال بعد در لوس‌آنجلس آمریکا تکمیل کردند.

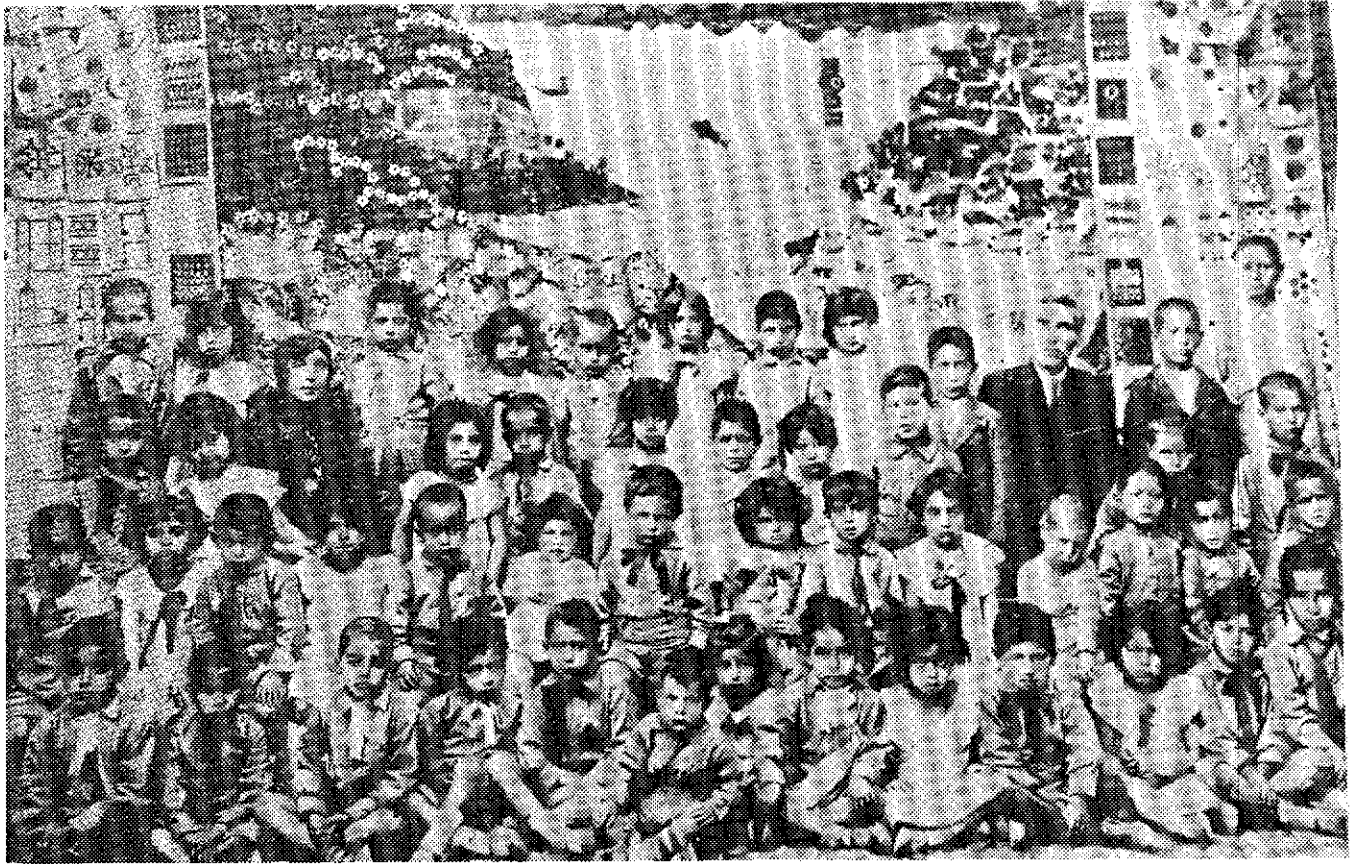
● در سال ۱۳۱۲ش اولین دبستان کرولال‌ها در تهران توسط باغچه‌بان تأسیس شد.

می‌خواهند با گفتن هر کلمه علامت مخصوص هر کلمه را با الفبای دستی «اشاره» کند به این سبب به ناشنوا حرف زدن، گفتارخوانی، الفبای دستی و زبان اشاره توأمآ یاد داده می‌شود.^۷ باغچه‌بان آثار متعددی دارد که برخی از آنها چاپ نشده است. مجموعه آثار چاپ شده و نشده باغچه‌بان به قرار زیر است:

۱. زندگی کودکان، ۱۳۰۸، شیراز
۲. گرگ و چویان، ۱۳۰۸، شیراز
۳. پیر و ترپ، ۱۳۱۱، شیراز
۴. خانم خزوک، ۱۳۱۱، شیراز
۵. بازیچه دانش، ۱۳۱۱، شیراز
۶. دستور تعلیم الفبا، ۱۳۱۲، وزارت فرهنگ
۷. بادکنک (شعر)، ۱۳۲۲، تهران



باغچه‌بان در کودکان شیراز ۱۳۰۷



باغچه‌بان و همسرش در اولین کودکانستان ایران در تبریز ۱۳۰۳ش



باغچه‌بان در حال نشان دادن طرز کار دستگاه اختراعی خود به یکی از استادان خارجی



باغچه‌بان در کنار اولین دسته دانش‌آموزان خود در سال ۱۳۲۲ در تهران

عریضه از وضعیت تنگین امروزی فرهنگ ایران و عیوب شرمگین مدارس بیش‌تر از این سخن بگویم و شرح بدهم... این همه تشنج و اختلاف فکر و عقیده که در ملت ایران دیده می‌شود و موجب تسلط بیگانگان بر این کشور است از خرابی فرهنگ ماست...»^{۱۳} و در جای دیگر می‌نویسد: «یکی از معایب بزرگ وزارت فرهنگ این است که هیچ‌کس مسئول هیچ‌کار نیست. ای صلحای ملت، ای علاقمندان تعلیم و تربیت و اخلاق، باور کنید که تربیت فرزندان شما در کار نیست، فرزندان شما وسیله تأمین معاش دزدان و غارتگران دارالجهل و دارالفساد هستند، این‌ها بیغوله‌هایی است که استعداد خدایی انسان را در آن‌جا ضایع می‌کنند...»^{۱۵}

درباره دخالت‌های بیگانه در امور ایران می‌نویسد: «ما از طرز تفکر و اندیشه سیاستمداران استقلال‌طلب کشور که در مجلس یا مسندهای دیگر قرار گرفته‌اند و یا آن‌ها که به وسیله مطبوعات افکار خود را منتشر می‌کنند

سراسر کشور و ارائه روشهای آموزشی نو برای کرولاها و بزرگسالان بود. البته این مجله تنها یک نشریه فرهنگی نبود، بلکه به تحلیل اوضاع سیاسی داخلی و خارجی نیز می‌پرداخت ولی می‌توان گفت که حتی انتقادات سیاسی باغچه‌بان از موضع فرهنگی بوده است.

وی در شرح نواقص دبستانها بدین مضمون که اطفال دسته دسته روانه مریض‌خانه می‌شوند، مدرسه آب ندارد و از مخروبیگی منظره‌اش مانند کاروانسراهای قدیمی است و خطر جانی که دانش‌آموزان را تهدید می‌کند و... می‌نویسد: «امیدواریم! وزیر فرهنگ... بر فرهنگ کشور شاهنشاهی فخر کنند و... فرزندان به نام تحصیل عمر خود را در اطاقهای تنگ و تاریک و مریض‌خانه‌ها تلف کنند آموزگاران حق اصلاح‌طلبی نداشته باشند و هرگاه بخواهند از مطالب فرهنگ گفتگو کنند به زور سرنیزه حرفشان را در گلوبند بیاورند...»^{۱۴} و جای دیگر می‌نویسد: «خدمتگزار میل ندارم که در این

و «جمعیت حمایت از آموزگاران» باغچه‌بان همچنین به عنوان مدیر هیئت عامله جمعیت‌های فوق‌الذکر دعوت‌های همگانی متعددی را با هدف انجام امور خیریه و کمک‌های مالی به افراد «کر و لال و کور» انجام می‌داده است.^{۱۳} [سند شماره ۳]

در ضمن برای کودکان کر و لال بی‌بضاعت شبانه‌روزی رایگان در همان محل دبستان در نظر گرفت شخصاً آنها را تعلیم می‌داد و بر امر آموزش سایر معلمان نیز نظارت داشت. وی در سال ۱۳۲۲ جواز تأسیس نشریه «زیان» را دریافت کرد.^{۱۴} [سند شماره ۴]، ۱۶ شماره از آن به دست آمد که ادامه فعالیت‌های فرهنگی و اجتماعی باغچه‌بان بود، وی در ارائه نظریات و ابداعات فرهنگی همواره با دانشمندان آن زمان از جمله دکتر هشرودی و احمد آرام مشورت می‌کرد.

یکی از اهداف انتشار مجله زیان ایجاد هماهنگی بین آموزگاران

خیلی در تعجب هستیم. این‌ها ظاهراً دعوی استقلال دارند ولی در باطن برای ایران قیم می‌تراشند از یک طرف خواهان استقلال‌اند و از جهتی آن را با ضمانت دیگران مقید می‌سازند... به طور کلی تضمین استقلال و یا کلمات (یک‌جانبه-دوجانبه) از این قبیل کلماتی است که سیاستمداران وطن‌دوست! ایران در نتیجه تأثیری که ذهن آن‌ها را اغفال کرده به زبان رانده‌اند، وگرنه کلمه (تضمین) با کلمه (استقلال) ترکیب‌پذیر و سازگار نیست مگر در دو موقع، یکی کسی که رشد حیاتی نداشته و از اداره امور خود عاجز باشد باید در تحت سرپرستی یک شخصی مقتدر زندگی کند و دیگر قومی که از رشد سیاسی و اجتماعی محروم است اداره امور سیاسی او به دست یک قوم مقتدر سپرده می‌شود، پس مقصود حقیقی نویسنده‌ای که می‌نویسد استقلال ایران تضمین شده همان نیست که از ظاهر آن استنباط می‌شود زیرا دنیا می‌داند که تاریخ استقلال ایران خیلی قدیمی‌تر از استقلال آن‌هاست که می‌خواهند استقلال ایران را تضمین کنند و هرگز محتاج به تصدیق یا تضمین دولتی نمی‌باشد.^{۱۶}

نشریه زبان با تسهیلات مالی برای مدارس و فرهنگیان ارسال می‌شد و بنابر تقاضای باغچه‌بان کارمندان هر آموزشگاه جمعاً وجه اشتراک یک فرد را می‌پرداختند^{۱۷} ولی تنها تعداد معدودی (۴۹۲ نفر) از جامعه بیست هزار نفری معلمین وقت از آن بهره می‌گرفتند.^{۱۸} در بسیاری از مدارس نشریه به معلمین نمی‌رسید و سال بعد به اداره مجله برمی‌گشت، در توضیح تأخیر چاپ شماره‌های بعدی مجله و احياناً تعطیلی آن باغچه‌بان می‌نویسد: «کشور ما وضعیت عادی نداشته ممکن است آن‌ها (آموزگاران) گرفتارتر از من بوده باشند، مثلاً مجله‌هایی که در اول بهمن ماه ۱۳۲۴ فرستاده شده در اسفندماه ۲۵ برگشته و روی آن‌ها نوشته‌اند «گیرنده نیست» و تمام روزنامه‌ها هر یک که مانند من بی‌بشتی‌بان بوده‌اند به روزگار من بوده‌اند.^{۱۹} از گفته‌ها و نوشته‌های باغچه‌بان شدت نارضایی و ناراحتی وی را از امور فرهنگی، سیاسی درمی‌یابیم.

در سال ۱۳۴۵ تخصیص بودجه خاص و مستقل به آموزشگاه‌های کر و لال‌های باغچه‌بان، امکانات توسعه آن‌ها را فراهم آورد.

«خورشید خاموشان» ایران جبار باغچه‌بان در نمایشنامه نوشته است. از جمله این کتابها غروب روز جمعه چهار آذر همان سال «خورشید ما خاموشان» و «آدمهای سنگی» می‌درگذشت. پس از مرگ وی در ۱۳۴۷ با تشکیل **۳۳** «دفتر آموزش دانش آموزان استثنایی و فوق‌العاده» در وزارت آموزش و پرورش تدریجاً مراکز آموزشی و پرورشی ناشنوایان در شهرستان‌های مختلف کشور تشکیل گردید.^{۲۰} در سال ۱۳۴۹ ش. «دفتر امور دانش آموزان استثنایی و فوق‌العاده» به «دفتر امور کودکان استثنایی» تغییر نام یافت^{۲۱} [سند شماره ۵] تا سال ۱۳۵۷ مجتمع آموزشی ناشنوایان باغچه‌بان آموزشگاه در مقاطع تحصیلی پیش دبستانی، دبستانی، راهنمایی تحصیلی و دبیرستانی و هنرستانی را تحت پوشش قرار داد و در شهرستانها نیز آموزشگاه‌هایی تأسیس شد از جمله آموزشگاه «گلیدی» اصفهان.

● باغچه‌بان در تعلیم و تربیت ناشنوایان به روشی دست یافت که امروزه به آن روش ترکیبی می‌گویند. در این روش به ناشنوا حرف زدن، گفتارخوانی، الفبای دستی و زبان اشاره توأمآ یاد داده می‌شود.

در سال ۱۳۶۳ «مجتمع آموزشی ناشنوایان باغچه‌بان» کلیه امور اجرایی آموزش و پرورش ناشنوایان را در سطح استان تهران (کرج، شهریار، نظرآباد، ساوجبلاغ، ورامین، قم، شهر ری) به عهده گرفت و تاکنون ۲۶ واحد آموزشی در مقاطع مختلف تحصیلی و در شهرستانها بیش از ۱۶۰ واحد آموزش کودکان استثنایی و ۲۰ واحد آموزشی ضمیمه تعلیم تربیت ناشنوایان را عهده‌دار می‌باشند.^{۲۲} هنرمندان باارزشی میان ناشنوایان وجود دارند که با تمریناتی طاقت‌فرساتر از هنرمندان عادی به خلق آثار هنری (نقاشی، شعر، هنرهای دستی، موسیقی، تئاتر، پانتومیم، سرود، نمایشنامه نویسی، بازیگری، کارگردانی و...) توفیق یافته‌اند. از جمله می‌توان از حسن خوشنوش در زمینه پانتومیم، میترا محمودی کارشناس ارشد رشته روانشناسی بالینی و صاحب کتاب شعر «گندم... نان» و کامران رحیمی از شاگردان مرحوم باغچه‌بان را نام برد که تاکنون بیش از ۲۰

پانویسها:

۱. ضمیمه اطلاعات، ۱۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، انتشارات اطلاعات، بدون تاریخ، خاطرات دست‌نویس باغچه‌بان ص ۱۱۹، ۱۱۷.
۲. نشریه زبان، سال اول، ۱۳۲۳، شماره ۱، صفحه ۹.
۳. مأخذ قبلی.
۴. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد نخست‌وزیری، شماره تنظیم ۳-۱۱۶۰۰۴ و نیز سند شماره یک.
۵. ضمیمه اطلاعات، ۱۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، ص ۱۱۹، ۱۱۷.
۶. سازمان اسناد ملی ایران، اسناد آموزش و پرورش، سری ج، شماره تنظیم ۱۱۰۳۶ و سند شماره دو.
۷. اطلاعات علمی- شماره ۱۸، صفحه ۴۰.
۸. تمامی آثار و همچنین اختراعات در اطاق شخصی مرحوم باغچه‌بان در مدرسه شماره یک ناشنوایان باغچه‌بان موجود است. در تهیه بعضی مطالب همکاری آقای ابراهیمیان کرفستانی و سایر همکاران محترم ایشان در مدرسه شماره یک واقع در خیابان اسدآبادی مفید واقع گردید و موجب سپاس است.
۹. به نقل از زندگی‌نامه باغچه‌بان در ضمیمه اطلاعات، ۱۲۸ هزار روز تاریخ ایران و جهان، بدون تاریخ، ص ۱۱۹-۱۱۷.
۱۰. اطلاعات، ۸/مهر/۱۳۷۱، شماره ۱۹۷۷۸.
۱۱. اسناد نخست‌وزیری، شماره تنظیم ۳-۱۱۱۰۰۴ و سند شماره ۳.
۱۲. اسناد نخست‌وزیری، شماره تنظیم ۳-۱۱۱۰۰۴ و سند شماره ۴.
۱۳. نشریه زبان، شماره ۱۱، ص ۳۹.
۱۴. نشریه زبان، شماره ۱۱، ص ۴۶.
۱۵. نشریه زبان، شماره ۱۲، ص ۳.
۱۶. نشریه زبان، شماره ۱۱، ص ۲.
۱۷. نشریه زبان، شماره ۱۱، ص ۵۵.
۱۸. مأخذ قبلی، ص ۵۵.
۱۹. نشریه زبان، شماره ۱۶، ص ۱۵.
۲۰. اطلاعات علمی، شماره ۱۸، ص ۴۹.
۲۱. اسناد آموزش و پرورش، سری ج، کودکان استثنایی، شماره تنظیم ۱۱۰۳۶ و سند شماره ۵.
۲۲. اطلاعات علمی، شماره ۱۸، ص ۴۹.
۲۳. اطلاعات ۲۲/تیر/۱۳۷۱، شماره ۱۹۶۶۴.

سند حریت دراز

بسم جبرائیل یقیناً حریت حریت کرمانی که در دل لنگه حریت است

در درامه سراسر بیخ طغیان برادر در سینه نهان است که غم غم هم راهش بر

دراز تمام کم بیخ طغیان برادر در سینه نهان است که غم غم هم راهش بر

سویا بیخ این حریت که در دماغ لنگه بود در درایت مرز نظر نبرد

الیه است از نظر و حضور در درایت مرز نظر نبرد

ببریت غم غم حریت در لنگه دره لنگه در

چند بچیان

کارشدها - ششدهی بشدها در آنگاه مرقوم دارم

که چون این سینه بیخ طغیان لنگه در لنگه در است

در سراسر عمارتی سعادت دارم با بدبختی

ترتیبی برای آن بدبختی ۲۵/۳/۳۵

۱۴۹۹
۲۵/۳/۳۵